کد خبر: ۵۰۶۴۱۵
چهارشنبه ۲ آبان ۱۴۰۳ ۱۶:۴۳

# نقد و بررسی کتاب «عشق تدریجی یک زن»

کتاب «عشق تدریجی یک زن» به نویسندگی عاطفه غلامزاده، توسط «کاوه نادی حیدری» نقد و بررسی شد.

به گزارش خبرنگاران گروه فرهنگ، هنر و رسانه گزارش خبر، کتاب «عشق تدریجی یک زن» به نویسندگی عاطفه غلامزاده، توسط «کاوه نادی حیدری» نقد و بررسی شد.

باد

به لهجه ی

خداحافظی

تکان می دهد درخت را

تا تغییر ، ایستاده مُردن

رفتن باشد ...

«دریچه‌ای رو به مهر این شعر»

من بین تمام اشعار کتاب عاطفه غلامزاده عزیز سعی کردم شعری رو انتخاب و تمجید و برسی و پایان نامه کنم که به سبک و سیاق و سلیقه بنده باشد که این شعر باب دلم بود و انتخاب کردم

این شعر کوتاه ترین شعر شما و اولین شعر کتاب «عشق تدریجی یک زن» بود.

چونان که باد در شعر شما

جمله کلیدی شعر محسوب و محجوب می‌شود !

همانطور که باب این شعر کوتاهِ زیبا را خوانید ،

می‌توانیم یک ایدئولوژی مقبولی ازش دریافت کنیم شما توجه کنید به جمله ... جمله بندی خانم غلامزاده که میگوید باد به لهجه ی خداحافظی تکان می‌دهد درخت را ، ما در اینجا می‌توانیم درخت را به انسان و یا یاری که رفته است تشبیه کنیم و حتما در ذهن تان بیان می‌شود چرا باد!

به قول استادم شمس لنگرودی اگر شما در گزیده شعر هایکو یا حتی سپکو شعر باد را ندیدید

و یا شاعر باد را نادیده بگیرد

یعنی آن شعر رنک و لعاب ندارد !

یا حتی زو زو باد باب شعر

حالا به بخش پر مفهوم و پر مهر این شعر

و این مصرع زیبا می‌رسیم که «باد» اینجا علی‌رغم که در این ایهام هم میشه محک زد که معنی متن آلبر کامو که میگوید ایستادن مردن ،

و جناب شاهین نجفی در یکی ترانه‌اش بیان میکند،

وقتی جالب میشه که شاعر قوی ما خانم غلامزاده خورده...خورده کلمات بازی می‌کنه و تغییر در این کلمات به وجود میاره که کار هر شاعری نیست که ایستادن مردن در این شعر همان رفتن است !!!

و در پایان نامه یادی کنیم یکی از شعرهای استادم شمس لنگرودی که می‌گوید:

باران

به زبان مادریم حرف میزند

به زبان گل ها، قایق ها ...

و چقدر ریتم ترانی در این شعر و شعر خانم غلامزاده موج میزند و میشه گفت جذابیت شعری در همین ریتم ترانه‌ای ها هست !

خلاصه بنده از این شعر بسیار بسیار استفاده نمونده و لذت کاملی را متحمل شدم.

موفقیت و پیروزی شما شاعران عزیز سرزمینم در هر سبک شعری شامل حال و احوال خوب بنده می‌شود ، مخصوصا شما عاطفه غلامزاده عزیز.

و بی صبرانه منتظر چاپ کتاب بعدی شما هستم.

ـ کاوه نادی حیدری

تهران - ۲۶/۷/۱۴۰۳